

رویکرد به خودکفایی اقتصادی در نوشته‌های روزنامه نگاران دوره قاجار

(۱۳۲۳-۱۳۲۶ق / ۱۹۰۵-۱۹۰۹ م)

فاطمه قلاوند^۱

زهرا قلاوند^۲

چکیده

روزنامه یکی از ابزار اطلاع رسانی و آشنایی مردم با رویدادها و علوم جدید محسوب می‌شود. در ایران روزنامه نگاری از دوره محمد شاه آغاز گردید؛ اما از دوره ناصری بر تعداد آن در داخل و خارج کشور افزوده شد. نوشته‌های نویسندگان این روزنامه‌ها از جهت تأثیرگذاری بر خواست‌های مردم و اقدامات دولتمردان آن عصر از اهمیت فراوانی برخوردار است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای در صدد پاسخگویی به این سؤال است که روزنامه نگاران دوره قاجار چه پیشنهادهایی برای خودکفایی در اقتصاد داخلی مطرح کردند. در واقع تعدادی از نویسندگان روزنامه‌ها با ارائه راهکارهایی همچون بهبود کشاورزی و تجارت داخلی، ایجاد بانک ملی، قرضه داخلی و همچنین تولید اجناس وطنی با هدف جلوگیری از خروج ارز کشور برای فراهم کردن سرمایه جهت تقویت اقتصاد داخلی بودند.

واژه‌های کلیدی: روزنامه، قاجار، اقتصاد، خودکفایی، داخلی.

Tarikh.shosh@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

ghalavand2014@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۸



مقدمه

شکست ایران از روسیه به مثابه تلنگری ایرانیان را بر وضعیت آشفته خویش آگاه کرد و آنان را به انجام پاره ای اصلاحات برانگیخت. طلایه اصلاحات ابتدا توسط تعدادی از مصلحان حکومتی آغازگردید. اعزام محصلین به خارج از کشور و شروع ترجمه متون در دوره عباس میرزا اولین گام‌های اصلاحات در کشور به شمار می‌آیند. نتیجه اعزام محصلین و ایجاد دارالفنون در دوره ناصری پایه گذاری قشر جدید مصلحان فکری در جامعه بود. این اندیشمندان در این دوره بار آشنایی جامعه را با علوم جدید بردوش کشیدند. آنان در خصوص آشنایی جامعه با علوم جدید از ابزار چندی بهره بردند. یکی از این ابزار جدید که از زمان محمدمشاه قاجار به طور محدود در کشور از آن بهره برداری شد؛ روزنامه بود. از دوره ناصری و پس از انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه به عنوان ارگان رسمی دولت روزنامه‌های متعددی در داخل و خارج کشور انتشار یافت؛ این امر بر اهمیت نقش روزنامه‌ها در رشد فکری جامعه افزود.

نویسندگان این روزنامه‌ها در نوشته‌های خود به تجزیه و تحلیل بسیاری از مشکلات موجود و ارائه راهکار برای حل معضلات پرداختند. اقتصاد یکی از موضوعات مورد توجه آنان بود. برخی از نویسندگان این دوره به حمایت از شیوه اقتصاد کلاسیک و دروازه‌های باز پرداختند؛ در حالی که در مقابل تعدادی از این روزنامه نگاران به حمایت از اقتصاد داخلی روی آوردند. اصولاً بررسی تاریخ اقتصادی موضوعی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ در این میان بررسی رویکرد اقتصادی روزنامه نگاران در پژوهش‌های معدودی مورد توجه قرار گرفته است؛ مقاله «نقش دولت و مردم در اقتصاد از نگاه روزنامه اختر» نوشته عبدالمهدی رجایی (فرهنگ اصفهان، ش ۲۱، پاییز ۱۳۸۰). یکی از این مقالات است که در آن به بررسی دیدگاه نویسندگان روزنامه اختر به اقتصاد و نقش مردم در آن می‌پردازد. همچنین مقاله «نظریات اقتصاددانان کلاسیک در نوشته‌های روزنامه نگاران دوره قاجار از ناصری تا مشروطه» نوشته علی بیگدلی، فاطمه قلاوند (پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال ششم، زمستان ۱۳۹۳) نیز تأثیر اقتصاد کلاسیک بر نوشته‌های روزنامه نگاران عصر ناصری تا مشروطه را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ اما در هیچ کدام از این مقاله‌ها رویکرد روزنامه



نگاران این دوره به خودکفایی اقتصادی به طور مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است. این مقاله بر آن است که چگونگی دیدگاه روزنامه نگاران حامی اقتصاد داخلی و خودکفایی اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

اندیشه‌های حامی اقتصاد ملی و خودکفایی در روزنامه‌های دوره قاجار

خودکفایی اقتصادی به حالتی از اقتصاد گفته می‌شود برای تداوم زندگی اقتصادی به حمایت دول دیگر نیاز نباشد. برای رسیدن به خودکفایی به مؤلفه‌هایی همچون افزایش تولیدات داخلی و همچنین تأمین منابع مالی به عنوان نیروی محرک خودکفایی نیاز است. اولین اقدامات اصلاحی در حمایت از اقتصاد داخلی در دوره قاجار توسط عباس میرزا انجام شد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۳). هرچند در نتیجه مرگ زودهنگام وی این اقدامات بی ثمر ماند در زمان امیرکبیر این اقدامات به صورت منسجم تری دنبال شد. تلاش برای اکتشاف معادن، حمایت از کشاورزی، حمایت از صنایع و ایجاد کارخانه از جمله اقدامات اقتصادی دوره صدارت امیرکبیر بشمار می‌آیند^۱ سپهسالار، ملکم خان، مستشارالدوله، طالبوف و آقاخان کرمانی از نامورترین حامیان اقتصاد ملی در اواخر دوره ناصری بودند. آقاخان در یکی از نوشته‌های خود با اشاره به وابستگی اقتصادی به غرب؛ ارسال مواد اولیه نساجی از کشور به غرب با قیمت ارزان و وارد کردن منسوجات از غرب با قیمت بالا را نکوهش می‌کند (آقاخان کرمانی، ۱۳۴۸، خطابه ۶: ۴). تعدادی از روزنامه نگاران نیز اصلاح وضعیت اقتصادی و مالیه را جزء اولویت‌های اصلی کشور می‌دانند. آنان از اقتصاد به قلب جامعه تعبیر می‌کردند (ندای وطن، سال ۲، ش ۶، ۲۴۶، ربیع الثانی ۱۳۲۶: ۱). رویکرد حمایتی از اقتصاد داخلی در نوشته‌های روزنامه نگاران از دوره ناصری تا دوره مشروطه نیز ادامه یافت. آنان به اهمیت و جایگاه روزنامه‌ها در سمت و سو دادن به سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری آگاه بودند. این نویسندگان معتقد بودند که با تلاش از طریق جهت دادن به سرمایه‌گذاری‌ها

۱. برای اطلاع از اقدامات اقتصادی امیرکبیر رجوع شود به اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۰۷۳/۲، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۳۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۵، ۱۱۷۴/۳.



می‌توان موجب «توسعه کشور» و «تأسیس مدنیت و صنعت و علم و حکمت» در کشور شد (حبل‌المتین کلکته، سال ۱۳، شماره ۱۱، ۸، ۱۱، ۱۳۲۳: ۲۲). در بررسی نوشته‌های روزنامه‌های این دوره این نتیجه حاصل می‌شود که بیش‌ترین میزان و شاخصه‌های اقتصادی در نوشته‌های نویسندگان این دوره شامل رویکرد حمایتی از اقتصاد داخلی است. آنان «رفع احتیاج را موجب «ازدیاد ثروت» و «ازدیاد ثروت» را موجب «آبادی مملکت» و «آبادی را عنوان «ترقی و تمدن» هر قوم قلمداد می‌کردند؛ با این تفسیر که ملت فقیر هرگز نمی‌تواند با ملت‌های ثروتمند رقابت کند. چرا که ملت فقیر عامل ترقی که همان ثروت است را دارا نیست. به نظر آنان اصل اقتصاد «قناعت» به اجناس خودی و استفاده از اجناس داخلی است (روزنامه مجلس، ش ۱۹، ۵۴، ۱۳۲۶: ۴-۳؛ روزنامه صبح صادق، س ۱، ش ۱۱، ۱۵۷، ۱۳۲۵: ص ۳). روزنامه انجمن تبریز در یکی از مقالاتش، علت ضعف اقتصادی کشور را در استفاده از امتعه خارجی می‌داند (انجمن تبریز، س ۲، ش ۸، ۲۲، ۱۳۲۵: صص ۳ و ۴). نویسندگان روزنامه‌ها معتقد بودند که با ایجاد کارخانه در داخل کشوری توان به خودکفایی رسید؛ به نظر آنان با ایجاد کارخانه نه تنها می‌توان از مصرف سرمایه ایرانی در خرید اجناس خارجی جلوگیری کرد؛ بلکه می‌توان به ایجاد کار و درآمد نیز پرداخت. نویسندگان، مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور برای کار و فعلگی و حمالی جوانان کشور در ممالک اجنبی را یکی از نتایج نبود کارخانه در کشور عنوان می‌کردند (عراق عجمش ۱، ۲۶، ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ۱۰۴). به نظر این نویسندگان با خودکفا شدن می‌توان به ایجاد اشتغال در کشور پرداخت (حبل‌المتین تهران، س اول، ش ۲۴، ۲۱۷، ذی‌الحجه ۱۳۲۵: ص ۲-۱).

تعدادی از روزنامه‌نگاران همچنین با یادآوری خودکفا بودن اقتصاد کشور در زمان گذشته، سرلوحه قرارداد اقدامات گذشتگان را خواستار شدند؛ یکی از نویسندگان در این خصوص نوشت:



«در صد سال پیش ایران تمام لوازم خود را تهیه نموده و به هیچ وجه به امتعه خارجه احتیاج نداشت کارخانه های متعدد ناقص ولی مکفی تمام مایحتاج اهالی را ساخته و به علاوه مقداری از عواید را به خارجه می فرستاد اگر بعضی ادویه و امتعه دیگر از هندوستان و عثمانی می آمد؛ در مقابل شال ها و زری ها و پارچه های ابریشمی و قالی های ممتاز ایرانی به خارجه رفته و بخوبی جبران واردات را می نمود؛ چون در آن زمان تمام احتیاجات ایران در داخل مملکت تهیه می شد؛ کارگران متعدد در دارالصنایع و کارخانه ها مشغول بودند. عده بیکارها قلیل و ثروت مملکت معتنا به بود. بدبختانه از روزی که ایران با خارجه بنای تجارت گذاشت به تدریج مقدار واردات زیادتر شد؛ کارخانه های قدیمی ورشکست، اجناس وطنی متروک، تمام عملجات بیکار و به فقر و فلاکت افتادند و روزبه روز از ثروت ایران کاسته گردید» (روزنامه فلاحت و تجارت، شماره ۱۲، ۱۵ سنبله ۱۲۹۷ ش: ص ۲؛ روزنامه صبح صادق، س ۱، ش ۱۱، ۱۵۷، ۱۳۲۵: ص ۳).

تأکید بر اهمیت عامل ثروت در خودکفایی اقتصادی

یکی از نخستین موضوعاتی که در روند افزایش توان اقتصاد داخلی مورد توجه اصلاح طلبان قرار گرفت؛ تنظیم و فراهم آوردن ثروت مورد نیاز برای ایجاد شکوفایی اقتصادی در کشور بود. در واقع ثروت به عنوان عاملی که می توانست موجبات طی کردن درجات ترقی در کشور بشود؛ مطرح شد (حبل المتین، س ۱، ش ۱۷۸، (۲۷ شوال ۱۳۲۵؛ ص ۱). از آنجا که در این دوره وجه نقد «مدار معاملات» بود؛ در نتیجه «فراوانی پول» موجب ایجاد امنیت و آزادی بیشتر در معاملات می شد (مجلس، س ۲، ش ۸۹، (۴ ربیع الاول ۱۳۲۶: ۳-۲). فراوانی نقدینگی عمده ترین ریشه پیشرفت و توسعه هر کشور محسوب می شد؛ به همین دلیل «کمبود پول و ثروت» مانعی همیشگی برای اجرای طرح ها در کشور به شمار می آمد (روزنامه تمدن، س ۱، ش ۶، ۳۹، ۱۳۲۵: ۱). به همین دلیل روزنامه حبل المتین تهران پس از آنکه به



چهار علت تشکیل و پیشرفت امور در هر کشور اشاره می‌کند؛ پول را «علت مادی» پیشرفت عنوان می‌کند (حبل المتین تهران، س ۱، ش ۵۹، ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۵: ۴). نویسنده روزنامه مجلس از پول و ثروت به عنوان «مدار» و مرکز معاملات یاد می‌کند و آن را موجب امنیت و آزادی در معاملات می‌داند (روزنامه مجلس، س ۲، ش ۸۹، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۶: صص ۲ و ۳). یکی دیگر از روزنامه نگاران در توصیف اهمیت ثروت، علم و ثروت را «دوای دردها» می‌نامد؛ از نظریه تحصیل این دو در کشور ما بسیار بعید می‌نمود (ندای وطن س ۱، ش ۵۵، ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ۵). نویسنده ای دیگر ثروت را به مثابه خون در بدن برای حیات جامعه ضروری می‌داند (ندای وطن س ۱، ش ۵۵، ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ۴-۲). این روزنامه معتقد است که در ایران هیچ نوع ثروتی وجود ندارد؛ نه «ثروت اخص» که همان خزانه دولت است؛ نه «ثروت اعم» که اعتبار دولت و ثروت و رفاه مردم است؛ نه «ثروت حقیقی» که رواج تجارت و رواج صنایع داخلی است (ندای وطن س ۱، ش ۵۵، ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ۴-۲). کمبود پول و ثروت در کشور از موضوعاتی بود که برای خودکفایی کشور مورد توجه قرار گرفت؛ در واقع نبود پول، مانعی همیشگی برای انجام طرح‌ها در ایران بود؛ از آنجایی که افزایش نقدینگی وسیله هرگونه پیشرفتی تلقی می‌شد. در روزنامه‌های این دوره از آن به عنوان «عامل توسعه» نام برده می‌شد (روزنامه تمدن، س ۱، ش ۳۹، ۶ رمضان ۱۳۲۵: ۱). سپس نویسندگان به بررسی علل از دست رفتن سرمایه و ثروت در کشور پرداختند؛ نویسنده روزنامه مجلس در یکی از مقالاتش در یک جمع بندی درخصوص عوامل به هدر رفتن پول کشور چند دلیل را ذکر می‌کند؛ از جمله ۱- تفاوت واردات و صادرات ۲- وجوهی که در ازای اصل و فرع استقراض به دولتین روس و انگلیس همه ساله باید پرداخته شود که قریب به دو کروار تومان می‌رسد و در مقابل هیچ عوض ندارد ۳- وجوهی که بانک‌های روس و سایر تجار خارجه در ازای منفعت پول از عامه تجار می‌گیرند ۴- وجهی که برای شاهزادگان به اروپا فرستاده می‌شود ۵- وجوهی که به صاحب منصبان نظامی و معلمین مدارس و مستخدمین ادارات دولتی از پست و گمرک و



ضرابخانه و مالیه و...پرداخته می شود ۶- آنچه خرج مسافرت بزرگان و اعیان و شاه و شاهزادگان به فرنگ می شود. نویسنده در این قسمت تأکید می کند که یک قسمت عمده از ثروت از اروپا از پولی است که سایر ملل عالم در مسافرت و سیاحت در آن نقاط خرج و مصرف می کنند (مجلس، س ۲، ش ۹۸، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶: ۱ و ۲). به نظر نویسنده صرفاً صادرات و واردات در ازدیاد ثروت کشور مؤثر نیست بلکه عوامل دیگر نیز دخیل است (مجلس، س ۲، ش ۹۶، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۶: ۱ و ۲). خودکفایی و استقلال اقتصادی مهم ترین راهکاری بود که در راستای افزایش سرمایه و ثروت کشور پیشنهاد شد؛ یکی از نویسندگان درخصوص اهمیت خودکفایی در اقتصاد کشور نوشت:

«رفع احتیاج موجب ازدیاد ثروت و ازدیاد ثروت موجب آبادی مملکت و آبادی عنوان ترقی و تمدن هر قوم است و ملت فقیر هرگز نمی تواند مسابقه با ملل متمدنه با ثروت و مکننت اسب تازی کند...ملت فقیر محتاج است...ثروت، روح ملل و روان ترقی است و نخستین وسیله که ملل را صاحب ثروت سازد و از ظل احتیاج و نیازمندی های رهایی بخشد، اقتصاد و صرفه جویی است و کلید اقتصاد قناعت است و راه حل آن که کرباس خویش به حریر خارجه ترجیح دهند و آنچه از خود داریم و از اجانب عقب نیستیم انواع منسوجات و البسه داخلی مکرر مطرح می شود (مجلس، ش ۵۴، ۱۹ محرم ۱۳۲۶: ۳ و ۴).

در ادامه روزنامه نگاران به ارائه راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به خودکفایی اقتصادی در کشور پرداختند؛ برای نمونه نویسنده روزنامه جبل المتین ضمن گنجاندن ارکان تمدن و تدین در ۴ رکن در تشریح چهارمین رکن که با عنوان «حدید» از آن یاد می کند؛ مقصود از حدید را اعمالی از قبیل استخراج معادن و ایجاد کارخانجات نساجی و غیره می داند (جبل المتین، س ۱، ش ۲، ۵ ربیع الاول ۱۳۲۵: ۱). پیشنهاد انجام برخی اقدامات اقتصادی اعم از پر کردن گوشه ای از دریای عمان، اهتمام به امر کشاورزی و صنعت و چگونگی وضع تجارتخانه ها نیز در این دوره مطرح شد (روزنامه انجمن تبریز، س ۲، ش ۱۲، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۶: ۲ و ۳).



تعدادی از روزنامه نگاران معتقد بودند برای رشد صنعت و تجارت در کشور باید از لحاظ زمانی و مالی وقت گذاشت. در همین راستا تقویت زراعت و همچنین ایجاد کارخانجات از قبیل ماهوت بافی، چلووار بافی، قند پزی، حلبی سازی برای برآورده کردن احتیاجات داخلی پیشنهاد شد؛ اما راه حل اصلی به نظر آنان، ورود علم مورد نیاز ایجاد کارخانجات به کشور بود^۱ سپس اندیشمندان این دوره با عنایت به قراردادهای تحمیلی روسیه و غرب و ناتوانی در مقابله رسمی با ورود کالاهای آنان به ارائه راهکارهایی در خصوص مقابله با کالاهای خارجی پرداختند. پیشنهاد تشکیل «انجمن ها و تشکل ها در ایالات و ولایات» از جمله این راهکارها به شمار بود؛ بنا به این پیشنهاد، انجمن ها باید به طور غیر رسمی از مردم بخواهند از مصرف کالای غربی جلوگیری کنند تا موجب قوی شدن کشورهای دیگر و ضعف اقتصاد کشور خود نشوند (حبل المتین تهران، س اول، ش ۲۴، ۲۱۷، ذی الحجه ۱۳۲۵: ۲-۱). در همین راستاست که روزنامه ندای وطن نماینده‌های مجلس را به دلیل حمایت نکردن از اقدامات وطنی برای خودکفایی اقتصادی تقبیح می‌کند؛ به اعتقاد نویسنده این روزنامه وظیفه اعضای پارلمان، تصویب قوانینی در حمایت از ترویج امتعه ایرانی بود. به نظر وی نماینده‌های مجلس به عنوان یک الگو برای جامعه نباید از امتعه خارجی استفاده کنند (ندای وطن، س ۲، ش ۲۴۸، ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶: ۲). تعدادی از روزنامه گاران برای تشویق مردم به حمایت از صنایع داخلی به بهره‌گیری از اعتقادات مذهبی کوشیدند تا با بهره‌گیری از روحیه مذهبی حاکم بر جامعه و استفاده از احادیث و آیات و توجیه دینی در نوشته‌هایشان، مردم را به حمایت از کالای داخلی تشویق کنند. آنان با تأکید بر جلوگیری از هزینه کردن پول ایرانیان در خرید اجناس خارجی، این اقدام را مغایر با شعائر مذهبی، دارای ضرر داخلی برای کشور و مخالف با عزت اسلامی عنوان کردند؛ در همین راستا استفاده از قند، چای و نفت در مراسم عزاداری امام سوم شیعیان

۲. دلیل آن مخالفت کشورهای انگلیس و روسیه بود که خواهان در اختیار گرفتن بازار کشور بودند (روزنامه انجمن تبریز، س ۲، ش ۶ رمضان ۱۳۲۵: ۳، ۴).



و نیز استفاده از کفن خارجی برای دفن مسلمانان تقبیح شد (روزنامه تمدن، س ۱، ش ۲۷، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱). روزنامه معارف با اشاره به این موضوع نوشت:

«حضرت سید الشهداء العیاذ با.. تن به شهادت خود و ابناء و اخوان و اصحاب خویش و اسیری اهل بیت عصمت و طهارت داد برای آنکه تجارت روسی و انگلیس در مملکت ما رواج بگیرد... معاذبا.. شما مسلمین (معتقد) چرا باید در ضمن یک عمل مستحب چندین عمل نامشروع را مرتکب شوید. چه عیب دارد و جوهی را که صرف قند و چای می شود جمع آوری نموده بدهید و البسه وطنی خریده لباس نظامی دوخته بر قامت موزون خود آراسته مستعد همان خدمتی بشوید که حضرت سیدالشهداء برای پیشرفت آن جان و مال و ناموس خود را داد یعنی جهاد فی سبیل (روزنامه معارف، س ۲، ش ۱۴، ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۶: ۳).

اصلاح مالیه و مالیات در کشور و اهمیت آن در اقتصاد ملی

یکی از راهکارهایی که در راستای تأمین خودکفایی اقتصادی مطرح شد؛ اصلاح مالیه کشور بود. در واقع، بهبود وضع مالیه، عامل تحرک خودکفایی محسوب می شد؛ از این رو در ابتدا توجه مصلحان حکومتی به اصلاح مالیه کشور معطوف شد؛ وضعیت نابسامان مالیه در دوره قاجار موجب شد که امیرکبیر اولین اقدامات و اصلاحات خود را از قسمت مالی آغاز کند (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۳: ۹۷۰) (رضاقلی خان هدایت، ۱۳۸۰، ج ۹: ۸۴۶۷). اما این مشکلات همچنان به صورت لاینحل باقی ماند و به مشروطه خواهان رسید. بنابراین در دوره مشروطه پیشنهادهایی به جهت حل این مشکلات مطرح شد؛ اعتقاد عموم اندیشمندان در خصوص مالیه مملکت بر آشفتگی آن دلالت می کرد. به زعم آنان گذشتگان مالیه را به خرابی کشانده و به گونه ای به نابودی کشانده اند که «هزار افلاطون و ارسطو و جالینوس» از عهده حل مشکلات آن بر نمی آیند؛ بنابراین اصلاح وضعیت مالیه باید از اولویت ها در کشور باشد (ندای وطن،



س ۲، ش ۲۴۶، ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۶: ۱-۲). (ندای وطن، س ۲، ش ۲۴۸، (۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶: ۱).

به عقیده روزنامه نگاران در این کشور از آب و خاک هم مالیات می‌گیرند. همچنین به جای اغنیا از فقراء مالیات گرفته می‌شود (ندای وطن، س ۱، ش ۴، ۱۰۳ شوال ۱۳۲۵: ۱-۳). بنابراین برای اصلاح مالیه حتی بهره‌گیری از مستشار خارجی نیز پیشنهاد شد (همان). کم کردن خرج و افزایش دخل به وسیله افزایش میزان تجارت، گمرکات و پست و جلوگیری از ولخرجی‌های حکام و رؤسای ایلات و عشایر نیز از دیگر پیشنهادهای این روزنامه‌ها جهت اصلاح مالیه است (جبل‌المتین، س ۱، ش ۶۹، ۵ جمادی الاخر ۱۳۲۵: ۱-۳).

نویسنده روزنامه مزبور همچنین با اشاره به موضوع پرخرج بودن دولت مشروطه نسبت به ممالک دیگر پیشنهاد کرد که دخل و خرج‌ها تعیین و اداره بشود (جبل‌المتین تهران، س ۱، ش ۸۰، ۲۳ جمادی الاخر ۱۳۲۵: ۱).

به نظر این نویسندگان هرچند اخذ مالیات به دلایل عقلی و نقلی واجب است و از آغاز «اساس تحول» در عالم، مالیات وجود داشته است (ندای وطن، س ۲، ش ۲۱۶، ۲۳ صفر ۱۳۲۶: ۱). اما باید «صحت» در میزان مالیه موجود باشد تا موجب «اصلاح مملکت» شود (مساوات، س ۱، ش ۵، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ص ۱ و ۴).

توجه به کشاورزی و تجارت و اهمیت آن در خودکفایی

بهبود وضعیت کشاورزی از دیگر راهکارهای روزنامه نگاران برای تولید ثروت در داخل کشور است. در واقع به نظر آنان با توجه به اهمیت کشاورزی در اقتصاد ایران، پیشرفت آن می‌تواند سریع‌ترین راه برای دستیابی به ثروت و همچنین خودکفایی در داخل کشور باشد. بر اساس این دیدگاه، زمین به عنوان مهم‌ترین مبنای تولید محسوب می‌شود؛ از کشاورزی گرفته تا استخراج معادن درآمد فراوانی از آن حاصل می‌شود. وجود زمین‌های مستعد کشاورزی در کشور، آب و هوای مناسب برای کشاورزی، قابلیت کاشت انواع محصولات باید زمینه ساز کاشت محصول بیشتر در کشور بشود؛ علاوه بر این که



ایرانیان در زمینه کشاورزی سابقه و تجارب زیادی دارد که می‌توان از آن بهره گرفت و از این راه می‌توان ثروت کسب کرد (روزنامه تربیت، سال هشتم، ۶ ربیع الاول ۱۳۲۳، شماره ۳۶۰، ص ۱۷۹۴). به نظر آنان توسعه تجارت محتاج به ترقی کشاورزی در کشور است و با ترقی فلاح و به دست آوردن سرمایه و خودکفایی در این زمینه می‌توان به زمینه‌های اقتصادی دیگر نیز مدد رساند (جبل‌المتین، تهران، س دوم، ش ۱۱، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۶ ه ق، صص ۴-۱).

یکی از پیشنهادهایی که در راستای توسعه کشاورزی مطرح شد؛ ایجاد مدارس فلاح و زراعت و تقویت آن بود (انجمن تبریز، س ۲، ش ۱۱، ۲ شوال ۱۳۲۵: ۳ و ۴). پیشنهاد دیگر تنظیم و بهبود وضعیت مالیات بود. یکی از روزنامه نگاران در خصوص مالیات کشاورزی نوشت:

«مالیات گیری باید طوری باشد که برای رعیت قوه کار باقی بماند و به کشت و زرع راغب و شایق گردد و رعیت بداند اگر در این راه زحمتی می‌کشد چیزی هم از نتیجه آن رنج عاید خود او خواهد شد. همین طور رعیت باید احساس امنیت داشته باشد و اطمینان خاطر داشته باشد که فردا فلان ایل یا جماعت محصول او را غارت نمی‌کنند یا محصل حکومت بیش از قیمت حاصل افراد مطالبه نمی‌کند.» (روزنامه تربیت، سال هشتم، ۶ ربیع الاول ۱۳۲۳، شماره ۳۶۰: ص ۱۷۹۴).

تعدادی از تجار در دوره قاجار همچون عامل تجاری کشورهای دیگر اقدام می‌کردند؛ آنان برای به دست آوردن سرمایه به وارد کردن کالاهای غربی می‌پرداختند و بدینوسیله موجب نابودی صنایع داخلی می‌شدند؛ عده ای از تجار نیز به سرمایه گذاران کشاورزی تجاری در کشور تبدیل شده بودند (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۲۰؛ مراغه ای، ۱۳۸۵: ۱۹۲). این اقدامات به اقتصاد کشور ضربه زد؛ این رویدادها، عکس العمل شدید نویسندگان این دوره نسبت به این گروه از تجار را در پی داشت. کتب این دوره پر از انتقاداتی است که نسبت به طبقه تجار شده است. برای نمونه مراغه ای با گوشزد کردن اهمیت اقدامات تجار و تأثیر آن در اقتصاد با اشاره به محمدحسن امین‌الضرب معتقد است که تاجر ثروتمندی مثل وی باید تاکنون در شهر کمپانی، بانک ملی و راه آهن ایجاد کند (مراغه ای، ۱۳۸۵: ۱۲۸).



روزنامه نگاران نیز معتقد بودند که تجار ایرانی «ثروت مملکت» را که «روح حیات ملت» است برای خرید اجناس خارجی به غرب می‌فرستند و از منفعت حاصله درشکه و اسبابی غیر ضروری تهیه می‌کنند؛ در حالی که این اجناس مصرفی هیچ ارزش ندارند؛ با این اقدام کشور را فقیر، صنایع ایرانی و منسوجات ایرانی را از بین بردند (مساوات، س ۱، ش ۱۹، ۲، رمضان ۱۳۲۵: ۶). به نظر آنان عملکرد این تجار موجب وابستگی و احتیاج ما به غرب شده است (همان)

اما پیشنهاد نویسندگان به تجار این است که تغییر روش دهند و به حمایت از تجارت کالای داخلی پردازند و همانگونه که کشورهای غربی به اسم آزادی تجارت به ما ضرر فراوان رسانده‌اند ما نیز با عنوان «آزادی ملت» به حمایت از اجناس داخلی پردازیم و مانع خروج ثروت از کشورمان شویم (حبل المتین طهران، س اول، ش ۱۲، ۲۵۲، صفر ۱۳۲۶ ه ق: ۲ و ۳). از دیگر راه‌های پیشنهادی برای ترقی تجارت اصلاح ترتیب مسکوک، اصلاح گمرکات همچنین امنیت و اطمینان عمومی است (همان). نویسندگان روزنامه‌ها بارها در نوشته‌های خود به ایجاد امنیت و تأثیر آن در شکوفایی اقتصاد، افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و ورود سرمایه خارجی اشاره کردند (حبل المتین، س اول، شماره ۱۲، ۲۵۲، صفر ۱۳۲۶ ه ق: ۲ و ۳؛ حبل المتین، سال اول، ش ۱۷، ۲۲۰، ذی الحجه ۱۳۲۵ ه ق: ۱ و ۲). منظور از امنیت در این نوشته‌ها، شامل امنیت جانی و مالی برای افراد، ایجاد قوانینی در حمایت از افراد در تجارت و سرمایه‌گذاری می‌شد (حبل المتین، سال اول، ش ۱۶، ۲۱۱، ذی الحجه ۱۳۲۵، ۲). به این ترتیب در واقع هدف اصلی از امنیت این است که افراد به هر کاری دست بزنند؛ اطمینان باشد که همان طور که برای بیگانگان در کشورمان امنیت وجود دارد، برای خودمان هم همان امنیت موجود است؛ چرا که به دلیل فقدان امنیت عمومی، تجارت ما خیلی مختصر و جزئی شده است؛ در صورتی است که فرنگی‌ها در مملکت ما هر نوع تصرفی بانکی و تجارتي و کارخانه‌ای انجام دادند و منفعت‌ها از آن راه می‌برند (حبل المتین، س اول، ش ۱۸، ۱۰۲، رجب ۱۳۲۵: ۲ و ۱). نویسندگان یکی از روزنامه‌ها



از امنیت به عنوان «قوه قابله» مؤثر در پیشرفت اقتصاد کشورها در کنار «قوه فاعله» که همان علم است نام می برد (ندای وطن، س ۲، شماره های ۲، ۲۱۶، ربیع الاول ۱۳۲۶: صص ۳-۱).
 به نظر یکی دیگر از نویسندگان در سایه امنیت افراد با ایجاد کمپانی ها، کارخانجات، استخراج معادن، ایجاد راه آهن در کشور تلاش می کند تا وسایل عمران و آبادی مملکت را فراهم کند و کشور را از کشورهای دیگر بی نیاز نمایند؛ در واقع در سایه امنیت بلاد و آسایش است که رعیت با کمال اطمینان موجبات راحتی و آسایش خود و نوع انسان را فراهم می کند. بدیهی است که در مملکتی که امنیت نباشد و مردم بر حفظ جان و مال خود قادر نباشد رعیت اقدام به هیچ کاری نمی کند و دنبال هیچ شغل و کسبی هم نخواهد رفت و بلکه از وطن مهاجرت می کند (حبل المتین، سال اول، ش ۲۱۱، ۱۶ ذی الحجه ۱۳۲۵: صص ۱ و ۲).

اندیشمندان در راستای تدوین قوانین در مسائل اقتصادی، الگوبرداری از اقدامات و قوانین کشورهای دیگر غیر از انگلیس و روسیه یا به عبارتی نیروی سوم را خواستار می شوند. برای نمونه از کشورهای آلمان، آمریکا، استرالیا نام برده شد (روزنامه اختر، سال ۱۳، شماره ۳۶: ۲۹۱). روزنامه اختر ضمن اشاره به ضرورت تدوین قانون تجارت داخلی و خارجی برای توسعه تجارت، قانون تجارت عثمانی را به عنوان الگو پیشنهاد داد (روزنامه اختر، سال هفدهم، شماره ۳، ۱۳۰۸، قمری: ص ۶). این روزنامه حتی «قانون نامه بحریه عثمانی» را که جهت سامان به تجارت های دریایی تنظیم شده بود؛ جهت آشنایی تجار ایران در روزنامه خود انتشار داد (روزنامه اختر، سال دوم، شماره ۱۲، ۱۲۹۳ ه ق: ص ۲).

نفی استقراض خارجی

موضوع دیگری که در این دوره راستای خودکفایی اقتصاد داخلی به آن توجه شد؛ استقراض خارجی و تأثیر منفی آن در اقتصاد بود. در دوره قاجار از دوره ناصری تا مشروطه بازار گرفتن وام از سایر دول گرم بود؛ همچنین امتیازاتی در ازای این وام ها به دول بیگانه واگذار می شد؛ بخش قابل توجهی



از پولی که از این تجارت نامعقول بدست می‌آمد صرف اموری همچون مسافرت‌های خارجی می‌شد. این موضوع سوء ظن مردم را نسبت به عملکرد دولت برانگیخت. سوء ظنی که بر نارضایتی مردم از حکام قاجار افزود. اخذ وام با امتیاز تنباکو آغاز شد؛ این روند تا مشروطه نیز ادامه یافت. روزنامه نگاران بارها در نوشته‌های خود به امتیازات و همچنین وام‌های دریافتی دولت اعتراض کردند و آن‌ها را بی سود و سرانجام می‌دانستند (روح القدس، س ۱، ش ۱۵، ۱۸ ذی الحجه ۱۳۲۵: ۳-۲). آنان استقراض را به حکم «عقل و تجربه» موجب «تسلط خارجه بر مسلمین» و «انقراض دولت» می‌دانستند (روزنامه مجلس، س ۱، ش ۱۰، ۲۵ شوال ۱۳۲۴: ۳). نویسنده یکی از روزنامه‌ها معتقد است که خارجیان به حدی به کشورهای نیازمند وام می‌دهند که بر احتیاجات آن‌ها بیفزاید و مابقی را به اسم خسارت پس بگیرند (ندای وطن، س ۲ صفر ۱۳۲۶: ۳-۱). تعدادی از روزنامه نگاران، دلیل دادن وام به کشورهای همچون ایران را «مشاهده بیداری مردم آن کشورها» و «آغاز پیشرفت» در این کشورها می‌دانند؛ به نظر آنان این امر دول روس و انگلیس را به این فکر انداخته که با دادن وام جلوی پیشرفت این کشورها را سد کنند (حبل المتین، تهران، س اول، ش ۱۶، ۱۱۶ محرم ۱۳۲۶ هصص ۲-۱).

روزنامه نگاران در خصوص همراهی دولتمردان با اعطای این امتیازات به دول بیگانه معتقدند که «احتمالاً نکته باریکی! درکار هست که ما از درک آن عاجزیم» (روزنامه اختر، سال ۱۶، شماره ۱۳۰۷، ۴۰ ه. ق: ۳۲۰). این روزنامه‌ها در جریان دادن امتیاز توتون و تنباکو به نقل از گیرنده امتیاز اشاره می‌کنند که گرفتن این امتیاز به سهل‌ترین صورت ممکن روی داده است (روزنامه اختر، سال ۱۷، شماره ۱۳، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۰۸: ۱۰۰).

در شماره‌های متعددی از روزنامه حبل المتین تهران موضوع قراردادها با روس و انگلیس بررسی می‌شود؛ در این نوشته‌ها، هدف از این قراردادها، به دست آوردن گمرکات ایران و نیازمندتر کردن کشور به پول خارجه عنوان شد؛ راه حل رفع این بحران هم ایجاد بانک ملی ذکر می‌شود (حبل المتین تهران س ۱، ش ۱۱۸، ۸ شعبان ۱۳۲۵: ص ۱).



قرضه داخلی راهکاری بود که در مقابل استقراض خارجی ارائه شد. حسن مشرف نفیسی، یکی از معدود تحصیلکرده های رشته اقتصاد اواخر دوره قاجار در اروپا، در یکی از مقالاتش در نشریه «فلاحت و تجارت» درخصوص چگونگی گردآوردن سرمایه لازم برای اقدامات اقتصادی و عمرانی در کشور ایجاد «دفتر بزرگ دیون عمومی» و «انتفاع دولتی» یا به عبارتی «قرضه داخلی» را مطرح می کند؛ بدین ترتیب که در ازای گرفتن پول مردم و سرمایه گذاری آن در بخش های مختلف، سودی به صورت ماهیانه یا سالیانه به سرمایه گذاران داده شود؛ در نتیجه با ایجاد بخش های مختلف مانند ایجاد راه آهن و پول حاصل از آن، عایدات دولت افزایش می یابد و همچنین کار برای بیکاران ایجاد می شود (نشریه فلاحت و تجارت، شماره ۱۲، ۱۵ سنبله ۱۲۹۷: ص ۱۳).

ایجاد بانک ملی و نقش آن در اقتصاد

یکی از راهکارهای پیشنهادی روزنامه ها برای حل مشکلات اقتصادی، راه اندازی بانک بود. ایجاد بانک از اساسی ترین خواسته های اندیشمندان ایرانی در زمینه اقتصادی بود. این ایده اولین بار توسط ملکم مطرح شد (ملکم خان، ۱۳۸۷: ۷۷). راه اندازی بانک با توجه به تسلط بانک های خارجی و از آنجا که وجود این بانک ها موجب تنزل ارزش پول ایرانی می شد؛ در نزد آزادیخواهان از اهمیت برخوردار بود (انجمن تبریز، س ۲، ش ۱۱، ۲ شوال ۱۳۲۵: ۳ و ۴). شکستن انحصار این بانک ها و ایجاد تحرک در فعالیت های اقتصادی، ایده ایجاد بانک ملی را مطرح ساخت. اولین بار طی مذاکرات مجلس از سوی تجار طرحی برای ایجاد بانک ملی مطرح گردید؛ لایحه ایجاد بانک به مجلس داده شد؛ به دنبال آن اعلان بانک ملی (۱۲ شوال ۱۳۲۴) در مجلس مطرح گردید؛ بدین ترتیب قانون امتیازنامه بانک تنظیم شد و به اتفاق آراء در تاریخ ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۴ به تصویب رسید (مشروح مذاکرات مجلس اول، پنجشنبه ۲۷



رمضان ۵۴: ۱۳۲۴-۵۲). تمرکز مجلس به اجرای نقشه بانک ملی از این بابت بود که دولت از لحاظ مالی تقویت شود.

در واقع ایجاد بانک ملی در نزد ملیون ایرانی بیشتر به جهت حفظ استقلال سیاسی اقتصادی کشور در مقابل غربیان اهمیت یافته بود. نویسندگان معتقد بودند که بانک یکی از راه‌هایی است که برای جلوگیری از خطر بزرگ مستعمره شدن توسط روس و انگلیس و کمک به انجام اقدامات اساسی در کشور سودمند است (روزنامه صبح صادق، س ۱، ش ۱۹۹، ۲۰ ذی القعدة ۱۳۲۵: ص ۴). با وجود تصویب این لایحه؛ ایجاد بانک تا پایان دوره قاجار صورت عملی نیافت.

روزنامه نگاران از میان انواع بانک‌های دولتی، خصوصی و گروهی؛ بانک دولتی را به نفع وضعیت کنونی کشور می‌دانستند (روزنامه تمدن، س ۱، ش ۶۸، ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۶: ص ۱). در واقع ایجاد «بانک ملی» راهکاری بود که روزنامه نگاران عصر قاجار با هدف فراهم آوردن سرمایه مورد نیاز برای تقویت اقتصاد داخلی و خودکفایی اقتصادی و «پیشرفت مقاصد ملت و دولت» پیشنهاد دادند (صور اسرافیل، س ۱، ش ۱۷، ۱۸ شوال ۱۳۲۵: ۱-۲؛ روزنامه جبل المتین کلکته س ۱، ش ۱۲۰، ۱۰ شعبان ۱۳۲۵: صص ۲ و ۳). به زعم آنان ایجاد بانک به حدی واجب بود که حتی با فروختن دارایی مردم باید سرمایه لازم را برای آن فراهم کرد («استدعا از عموم علماء ایران، مجلس، س ۱، ش ۱۰، ۲۵ شوال ۱۳۲۴: ص ۳).

نویسنده روزنامه مجلس در یک جمع بندی فواید بانک ملی را چنین برمی شمرد؛ ۱- باعث اعتبار ملت می‌شود ۲- منجر به ازدیاد ثروت دولت می‌گردد ۳- باعث راکد نماندن پول مردم و استفاده بهینه از آن‌ها می‌شود ۴- به اعتبار بانک ملی راه‌های ترقی و توسعه گشوده می‌شود و خطوط راه آهن و راه‌های شوسه و تجارت‌های عمده، کمپانی‌های پرفایده و کارخانجات ایجاد می‌شود ۵- به واسطه بانک ملی اوراق بلاوجه خارجه رفع می‌شود و طلا و نقره و ثروت مملکت در عوض یک مشت اوراق کهنه در دست یک مشت بیگانه نمی‌افتد ۶- هرگاه بانک ملی باشد؛ اجناس و غلات مملکت خودمان در محل به نرخ ارزان و در سایر نقاط به واسطه



نبودن راه به این گرانی‌ها خریداری نمی‌شود ۷- هرگاه بانک باشد اغلب قرض‌ها بلکه تمام داد و ستدهای عمده و کلی با بانک خواهد بود و شخص مقروض از بانک فرصت بیشتری برای تعدیه قرض خود خواهد داشت و بی‌آبرو نخواهد شد (مجلس، س ۱، ش ۸، ۲۲ سوال ۱۳۲۴: ۲). نویسنده مزبور در ادامه با تعبیر بانک به «شاهراه مقصود»، «پایه ثروت ابدی»، «مایه حیات جاودانی»، «کارخانه آدم‌سازی»، فواید دیگری همچون بازگشت مهاجرین ایرانی که برای کار مجبور به خروج از کشور شده‌اند را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد (همان).

سید جمال واعظ در روزنامه «الجمال» بانک ملی را «کلید سعادت‌های ملت» و «از بین برنده فقر و فلاکت» معرفی کرد (الجمال، س ۱، ش ۲۲ (۲۰ شعبان ۱۳۲۵: ۲). تعدادی حتی پارا پیش‌تر گذاشته از «بانک ملی» به عنوان «مقصود اصلی» مشروطیت نام می‌برند؛ به گونه‌ای که تا بانک ایجاد نشود «آزادی و شرف»، «ملیت و استقلال»، «زراعت و تجارت»، «قانون و حقوق»، «قشون و نظام» وجود نخواهد داشت (صبح صادق، س ۱، ش ۱۹۹، ۲۰ ذی القعدة ۱۳۲۵: ۳-۴). آنان بر این نظر بودند که با ایجاد بانک ملی می‌توان احتیاجات امروزی را رفع کرد و موجب رفاه مردم شد (حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۵، ۷ جمادی الاول ۱۳۲۵: ۲). از سوی دیگر بانک مبنای تجارت و از اجزاء مهم آن شمرده می‌شد؛ روزنامه نگاران بر این عقیده بودند که بدون بانک امور مربوط به پول غیر منظم می‌شود؛ تاجر پول نگه نمی‌دارد و در موقع لزوم سرگردان می‌ماند؛ از آنجا که پول یکی از دلایل رشد ثروت است؛ به همین دلیل وجود بانک در هر شهر ضروری است تا باعث قوام تجارت گردد (همان) [س اول، ش ۱۱۷، ۷ شعبان ۱۳۲۵ ه: صص ۲ و ۳]. «تدارک قشون» و «لوازم جنگ» نیز از دیگر مواردی است که به عنوان فواید ایجاد بانک عنوان شد (حبل‌المتین تهران، سال اول، ش ۱۳۲، ۲۶ شعبان ۱۳۲۵: ۳-۱). در روزنامه‌های دیگر نیز به مطالبی درخصوص فایده تمرکز ثروت و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در صنعت و هنر و جلوگیری از حیف و میل شدن ثروت اشاره می‌شود (ندای وطن س ۱، ش ۱۴، ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴: صص ۸-۶؛ مجلس، س ۱، ش ۸، ۲۲ سوال ۱۳۲۴: ۲).



نویسنده یکی از روزنامه‌ها برای فراهم شدن شرایط برپایی بانک مطالعه کتاب‌هایی در زمینه «علم ثروت» را توصیه می‌کند؛ از جمله کتب پیشنهادی، کتاب ثروت ذکاء الملک و نیز ترجمه کتاب علم ثروت آدام اسمیت است؛ نویسنده همچنین درخواست می‌کند که این کتب به طور رایگان در اختیار مردم قرار بگیرند (حبل‌المتین تهران، ش ۲۵۰، ۹ صفر ۱۳۲۶ ه: ۲ و ۱). در خصوص تهیه سرمایه مورد نیاز ایجاد بانک ملی بهره‌گیری از کمک‌های داخلی پیشنهاد می‌شود. یکی از روزنامه‌ها در این باره می‌نویسد:

«علاج فوری و دوی درد بی درمان این است که آنچه طلا آلات و نقره آلات در داخله مملکت موجود است آحاد و افراد ملت حتی مخدرات سلطنت به هیئت اتحاد به بانک ملی داده و سهام بانک بگیرند و این مسأله به قدری نفعش واضح و جمع آوریش آسان است که بیانش توضیح واضحات است... (حبل‌المتین تهران، س ۱، ش ۱۵۱، ۲۷ رمضان ۱۳۲۵: ص ۳).

نتیجه‌گیری

ضعف دولت قاجار، قراردادهای تحمیلی غریبان به ایران و همچنین نفوذ اروپاییان در بدنه اقتصادی کشور به بهانه آزادی تجارت و سیاست درهای باز موجب رکود اقتصادی کشور شده بود. صنایع داخلی از بین رفته و کشاورزی نیز تجاری شده بود به همین دلیل اندیشمندان ایرانی خودکفایی اقتصادی را به عنوان بهترین راهکار جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور مطرح کردند. با بررسی روزنامه‌های این دوره مشخص می‌شود نگاه ملی و حمایتی از اقتصاد یکی از دغدغه‌های روزنامه‌نگاران است. آنان با عنایت به اهمیت خودکفایی در استقلال کشور در تلاش بودند که در نوشته‌های خود راه‌های متعدد رسیدن به خودکفایی را مطرح و تشریح نمایند تا بدینوسیله کشور را از وابستگی به غرب برهانند. ایجاد بانک به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای پیشنهادی مورد توجه روزنامه‌نگاران بود که به منظور فراهم آوری سرمایه و انباشت ثروت مورد نیاز خودکفایی اقتصادی مطرح می‌شد. همچنین پیشنهاد بهره‌گیری از کالاهای داخلی، جلوگیری از ورود کالاهای سایر کشورها به منظور حمایت از صنایع داخلی و جلوگیری از خروج ثروت از کشور، بهبود مالیه و سیستم مالی



دولت و همچنین توجه به کشاورزی و تجارت به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در خودکفایی و تأمین ثروت و نفی استقراض خارجی به منظور جلوگیری از وابستگی به غرب نیز در این راستا پیشنهاد شد. در حقیقت بیشترین حجم نوشته‌های روزنامه نگاران دوره مورد نظر در زمینه اقتصاد با توجه به مقطع زمانی آن، همزمانی با نهضت مشروطه و اوجگیری روحیه ملی به حمایت از خودکفایی اقتصادی اختصاص داشت.

منابع

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *مراه البلدان*، ۴ مجلد در ۳ جلد، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۶۵). *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: ایران.

دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳). *مآثر السلطنیه*، تهران: اطلاعات.

سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

سیاح، محمد علی (۱۳۴۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوران خوف و وحشت*، تصحیح سیف الله گلکار، تهران: ابن سینا.

کرمانی، آقاخان (۱۳۴۸). *صد خطابه*، تهران: بی نا.

مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۸۵). *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*، به کوشش م. ع. سپانلو، تهران: آگاه.

مشروح مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه (۱۳۲۵). تهران: چاپخانه مجلس.

ملکم خان، ناظم الدوله (۱۳۸۱). *رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، به اهتمام حجت اله اصیل، تهران: نشر نی.

_____ (۱۳۸۷). *نامه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله (زبده و متن برخی نامه‌ها)*، به اهتمام علی اصغر حقدار تهران: نشر چشمه.



هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰) **روضه الصفاى ناصرى**، تصحيح جمشيد كيانفر، تهران: اساطير.

روزنامه

روزنامه اختر، س دوم، ش ۱۲، ۱۲۹۳ ه ق

_____، س ۱۶، ش ۱۳۰۷، ۴۰ ه ق

_____، س ۱۶، ش ۱۳۰۷، ۴۰ ه ق

_____، س ۱۷، ش ۱۳۰۸، ۳ ه ق

_____، س ۱۷، ش ۱۳، ۲۷ ربيع الاول ۱۳۰۸

روزنامه تربيت، س ۸، ش ۶، ۳۶۰ ربيع الاول ۱۳۲۳.

روزنامه تمدن، س ۱، ش ۱۴، ۲۷ جمادى الثانى ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۳۹، ۶ رمضان ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۱۴، ۲۷ جمادى الثانى ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۶۸، ۱۸ ربيع الاول ۱۳۲۶.

روزنامه ثريا، شماره ۱، سال ۲، سال اول، شماره ۸

روزنامه حبل المتين کلکته، سال ۱۳، شماره ۱۱، ۸ رمضان ۱۳۲۳.

_____، س ۱۴، ش ۱۷، ۳۲ صفر ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۵، ۲ ربيع الاول ۱۳۲۵.

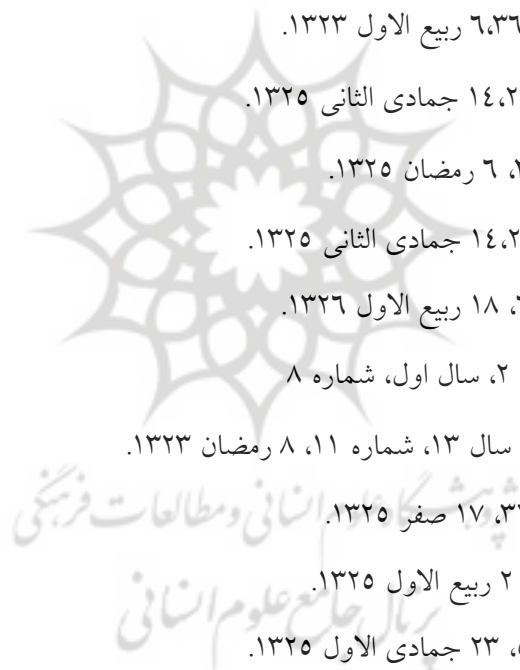
_____، س ۱، ش ۲۳، ۵۹ جمادى الاول ۱۳۲۵.

_____، س اول، ش ۲۱۷، ۲۴ ذى الحجه ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۱۷۸، ۲۷ شوال ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۱۱۸، ۸ شعبان ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۱۳۲، ۲۶ شعبان ۱۳۲۵.





- _____، س ۱، ش ۱۵۱، ۲۷ رمضان ۱۳۲۵.
- _____، س اول، ش ۲۱۷، ۲۴ ذی الحجه ۱۳۲۵.
- روزنامه صبح صادق، س ۱، ش ۱۹۹، ۲۰ ذی القعدة ۱۳۲۵.
- روزنامه صور اسرافیل، س ۱، ش ۱۷، ۱۸ شوال ۱۳۲۵.
- روزنامه روح القدس، س ۱، ش ۱۵، ۱۸ ذی الحجه ۱۳۲۵.
- روزنامه عراق عجم، ش ۱، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۵.
- روزنامه فرهنگ، س ۲، شماره ۶، ۷۶ محرم ۱۲۹۸.
- روزنامه فلاحت و تجارت، شماره ۱۲، ۱۵ سنبله ۱۲۹۷.
- روزنامه مجلس، س ۱، ش ۲۲، ۸ شوال ۱۳۲۴.
- _____، س ۲، ش ۱۹، ۵۴ محرم ۱۳۲۶.
- _____، س ۲، ش ۸۹، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۶.
- _____، س ۲، ش ۹۶، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۶.
- _____، س ۲، ش ۹۸، ۱۴ ربیع الثاني ۱۳۲۶.
- _____، س ۱، ش ۲۲، ۸ شوال ۱۳۲۴.
- _____، س ۱، ش ۱۰، ۲۵ شوال ۱۳۲۴.
- روزنامه مساوات، س ۱، ش ۲، ۱۹ رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه معارف، س ۲، ش ۱۴، ۶ ربیع الثاني ۱۳۲۶.
- روزنامه ندای وطن، س ۱، ش ۵۵، ۲۲ رجب ۱۳۲۵.
- _____، س ۲، ش ۶، ۲۴۶ ربیع الثاني ۱۳۲۶.
- _____، س ۲، ش ۹، ۲۴۸ ربیع الثاني ۱۳۲۶.
- _____، س ۲، ش ۲۱۶، ۲۳ صفر ۱۳۲۶.

روزنامه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

_____، س ۲، ش ۹، ۲۴۸، ربيع الثاني ۱۳۲۶.

_____، س ۱، ش ۱۰۳، ۴ شوال ۱۳۲۵.

_____، س ۱، ش ۷، (۱۴) ذى الحجه ۱۳۲۴.



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

